

# یادداشت‌های شخصی یک روستایی انقلابی

دفتر دوم

(از لبنان تا مهران)

www.ketab.ir

دکتر علیرضا زواره



یادداشت‌های شخصی یک روستایی انقلابی

دفتر دوم (از لبنان تا مهران)

نویسنده: دکتر علیرضا زواره

عضو هیأت مدیره مؤسسه جهاد نصر و استاد دانشگاه

(فرمانده سابق گردان مهندسی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان تهران)

ویرایش: رنویسی: رسول آفتاب

طرح جلد: احمد ربیعی

ناشر: رسول آفتاب

(وابسته به مؤسسه فرهنگ رسول آفتاب)

شابک: ۷۸۶۰۰-۷۳۶۵-۲۴-۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۶

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرشناسه: زواره، علیرضا، ۱۳۳۶

عنوان و نام پدیدآور: یادداشت‌های شخصی یک روستایی انقلابی / علیرضا زواره

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب، انتشارات رسول آفتاب، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴ ج. شابک: ۷۳۶۵-۲۴-۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

مندرجات: ج. ۱. از روستای کهنک تا آزادی خرمشهر. - ج. ۲. از لبنان تا مهران. - ج. ۳. رستم تا

قطعه‌نامه. - ج. ۴. از تفحص شهدا تا زیارت کربلا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۲۲۴ - ۱۳۲۷ق. -- خاطرات

موضوع: Constitutional Revolution -- History -- Iran، ۱۹۰۶ - ۱۹۰۹ --

narratives Personal

رده بندی کنگره: DSR ۱۳۹۶۱۶۲۸ ی ۸۵/

رده‌بندی دیوبی: ۰۸۴۳/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۰۴۵۴

## فهرست:

### مقدمه / ۹

### فصل اول - لبنان خط مقدم ایران / ۱۱

|    |                                         |
|----|-----------------------------------------|
| ۱۲ | مقدمات اعزام به لبنان                   |
| ۱۸ | اقامت موقت در سوریه                     |
| ۲۲ | مراسم دعای کمیل                         |
| ۲۵ | حضور در مراسم نماز جمعه                 |
| ۳۰ | وفایت دگان محل اقامت ما در دمشق         |
| ۳۲ | گشت و گذاری در شهر دمشق                 |
| ۳۵ | حضور در لبنان                           |
| ۳۶ | دیدار با برادران (رمضان - جنبش) اقل     |
| ۴۱ | صحبت‌هایی در پیرامون نیکبایی            |
| ۴۴ | رفتن برای حمله                          |
| ۴۶ | زیارت مجدد حرم حضرت زینب (س)            |
| ۴۸ | مراسم سالگرد شهدای هفتم تیر             |
| ۵۰ | مراسم شب قدر در حرم حضرت زینب (س)       |
| ۵۱ | راهپیمایی روز قدس در شهر بعلبک          |
| ۵۴ | فعالیت فرهنگی در بعلبک                  |
| ۵۶ | وضعیت شهر بعلبک لبنان                   |
| ۵۷ | بناهای تاریخی                           |
| ۵۷ | موقعیت مذهبی و فرهنگی                   |
| ۵۸ | یافت جمعیتی                             |
| ۵۹ | وضعیت نیروهای نظامی حاضر در منطقه       |
| ۶۰ | قتل عام در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا     |
| ۶۱ | آغاز حرکت‌های نظامی جنبش حزب الله لبنان |
| ۶۲ | مردان بی ادعا                           |
| ۶۳ | بازگشت به ایران                         |

### فصل دوم - جهاد فرهنگی / ۶۵

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۶۶ | مقدمات ازدواج             |
| ۶۷ | بازدید از مناطق جنگی جنوب |
| ۶۸ | ازدواج                    |

|    |                                          |
|----|------------------------------------------|
| ۶۹ | حضور دوباره در جبهه به عنوان گروه فرهنگی |
| ۷۰ | آغاز آشنایی با شهید «احمدامین طبرسی»     |
| ۷۳ | گسترش کمی و کیفی اقدامات فرهنگی          |
| ۷۴ | مأموریت به منطقه‌ی جوانرود               |
| ۷۷ | سوگواری ایام محرم                        |
| ۷۹ | بازگشت به تهران                          |

#### فصل سوم - با عاشورائیان / ۸۳

|     |                                                      |
|-----|------------------------------------------------------|
| ۸۴  | انتخابات دویین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی              |
| ۸۶  | مأموریت جبهه‌های جنوب                                |
| ۸۶  | آشنایی با پدر «سید هادی احمدی»                       |
| ۸۷  | بازگشت به جبهه‌ی غرب                                 |
| ۸۸  | شهادت برادر «فرات زنگنه»                             |
| ۸۹  | عملیات عاشورا در منطقه‌ی می‌ک                        |
| ۹۴  | شهادت «سید هادی احمدی»                               |
| ۹۶  | کارهای مهم جهادگران در عملیات عاشورا                 |
| ۹۹  | بیماران ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جبهه تهران        |
| ۱۰۰ | احداث مقر «شهید سید هادی احمدی»                      |
| ۱۰۱ | حکایت‌هایی از شهدا                                   |
| ۱۰۲ | معجزه                                                |
| ۱۰۳ | مأموریت به منطقه‌ی «شورشیرین»                        |
| ۱۰۵ | مأموریت به منطقه‌ی «سومار»                           |
| ۱۰۷ | بیماران مقر شهید سید هادی احمدی و مقر قبلی           |
| ۱۱۰ | بازدید برخی مقامات و مسئولین ورامین از منطقه‌ی مهران |
| ۱۱۱ | شهادت «شیخ حسین تاجیک»                               |
| ۱۱۵ | خبر شهادت «احمد ملک آبادی»                           |
| ۱۲۰ | وعده‌ی وصل                                           |

#### فصل چهارم - با اهالی مجنون / ۱۲۵

|     |                                                 |
|-----|-------------------------------------------------|
| ۱۲۶ | شهادت «حاج محمود طاهری»                         |
| ۱۳۰ | مأموریت به جزایر مجنون و احداث جاده‌ی بدر       |
| ۱۳۲ | شنیدن خبر شهادت برادران «قائم مقامی» و «شهرابی» |
| ۱۳۴ | احداث پد در جزیره‌ی مجنون جنوبی                 |
| ۱۳۸ | مأموریت به منطقه‌ی شلمچه و غرب خرمشهر           |

فصل پنجم - برادر احمد / ۱۴۵

- ۱۴۶..... حمله‌ی ایزدایی (فرب‌دهنده) چیست؟
- ۱۴۹..... شهادت برادر طبرسی
- ۱۵۰..... نحوه‌ی شهادت شهید طبرسی
- ۱۵۰..... ادامه‌ی عملیات
- ۱۵۲..... اصحاب عشق
- ۱۵۳..... عملیات اصلی والفجر هشت
- ۱۵۴..... درباره‌ی شهید «احمد امین طبرسی»
- ۱۵۶..... خاطرات
- ۱۵۸..... مأرریت به منطقه‌ی فاو
- ۱۶۲..... ایثار، استقامت و توکل رزمندگان و جهادگران
- ۱۶۴..... احداث مقر حضرت رسول (ص)
- ۱۶۵..... یادى از شهیدان حاج آقا شریفی و «مهدی مرادیان»
- ۱۶۷..... شیمیایی شدن من
- ۱۶۹..... نخستین ماه‌های سال
- ۱۷۱..... بازگشت به منطقه‌ی مهران عملیات کر لای یک
- ۱۸۵..... چگونه مجروح شدم
- ۱۸۹..... خاطرات ویژه از عملیات کربلای یک
- ۱۹۴..... ملاقات با حضرت امام (ره)

عکس‌ها / ۹۶

## مقدمه

از دوران دبیرستان که بر اثر مطالعه‌ی کتب درسی به‌خصوص ادبی و تاریخی کم‌کم به مطالعه علاقه‌مند شدم در فرصت‌های مناسبی که پیش می‌آمد به‌خصوص ایام تعطیلات به مطالعه‌ی شرح احوال و زندگی بزرگان و شخصیت‌های علمی، ادبی و سیاسی می‌پرداختم و به‌مرور به شرح حال و زندگی افراد انقلابی و مبارز بیشتر تمایل می‌دادم و علاقه‌مندتر می‌شدم.

از سال ۵۵ به بعد بر اثر مراودات با افراد مختلف، این فرصت و امکان بیشتر برایم فراهم شد و در این سال‌ها با توجه به مطالعه‌ی کتب و منابع و در علاقه به نوشتن مطالب و خلاصه‌برداری پرداختم و تمایل به نوشتن پیدا کردم و از سال ۵۶ به بعد شروع به نوشتن خاطرات، دیده‌ها، شنیده‌ها و خلاصه‌ی مطالعاتم نمودم.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و ورود به صحنه‌های شورانگیز و حماسی انقلاب اسلامی، سپس عرصه‌های سازندگی و بعد هم صحنه‌های پرشور و حماسه‌ی جنگ و دوران دفاع مقدس، از نزدیک شاهد و رازان صحنه و خاطره در ابعاد مختلف عبادی، سیاسی، فرهنگی، معنوی، مدیریتی، اجرایی و نیز حرکات انسان‌ساز، الهی و معنوی بودم که خیلی از آن‌ها از دایره‌ی درک عقل خارج بود و شاید فقط با معیار عشق قابل درک و شناخت باشد.

کم‌کم به این فکر افتادم که چه خوب است این مشاهدات را تحت عنوان خاطراتی که عیناً مشاهده کرده و دست‌اول و مستند می‌باشند، به رشته‌ی تحریر درآورده و برای آیندگان بگذارم تا لااقل در این حد بتوانم حامل و انتقال‌دهنده‌ی این فرهنگ الهی و ارزشی بوده و معرف صاحبان

ارزشی و الهی این فرهنگ باشم. لذا طی نزدیک به سی سال در هر فرصتی که پیش می‌آمد، مشاهدات خودم در صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی، جبهه‌های جنگ و پشت جبهه را در دفترچه‌های کوچک جیبی، سررسیدها، دفترهای متوسط و حتی برگه‌های تکی نوشته و در لابه‌لای کتاب‌ها، ساک جبهه و یا جاهای مختلف نگهداری می‌کردم.

باگذشت زمان حتی خودم نیز فراموش کرده بودم که از نظر کمی و کیفی، این مقدار مطلب، یادداشت و خاطره دارم و در ذهنم این گونه مانده بود که فقط دو یا سه جلد دفترچه‌ی خاطره نوشته‌ام.

از سال ۸۵ به بعد که به آن یادداشت‌ها و دفترچه‌ها در لابه‌لای کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ی منزا و کارتن‌های موجود در انبار مراجعه کردم، متوجه شدم تعداد و حجم آن‌ها خیلی بیشتر از چیزی است که در ذهنم تصور می‌کردم. لذا با توجه به فرصتی که دست داد، به ساماندهی آن‌ها پرداختم. طالع را در کنار هم قرار داده و به ترتیب سال‌ها، وقایع و اتفاقات، ردیف کرده و به هم متصل نمودم. سپس اقدام به ساماندهی مجدد و تایپ آن‌ها کرده و با همکاری دوستان و صاحب‌نظران به ویرایش اولیه و بعد ویراستاری مجدد آن‌ها پرداختم که به حول و قوه‌ی الهی و کمک شهدا کامل و آماده‌ی چاپ شد.

همچنین در آن به مشاهده‌ی عرفان‌های نظر و عمل انسان‌های وارسته، الهی و بندگان مخلص خدا از جمله شهدا، آن مردان فضیلت و الخوهای عمار و راستین پیوستن به خدا و وارستگی که در اوج قله‌ی معرفت، عرفان و انسانیت سیر کرده، با پرور ملکوتی و عرفانی خود تا عرش خدا پیش رفتند، پرداخته شده است.

در پایان از همه‌ی خوانندگان و اهل معرفت در این فضاء عاجزانه استدعا دارم از ارائه‌ی نظرات پیشنهادی، اصلاحی، مشفقانه و برادرانه‌ی خود دریغ نفرموده و در جهت اصلاح، پُر بار و قابل بهره‌برداری نمودن بهینه‌ی این مجموعه با هر روش و شیوه‌ای که صلاح می‌دانند، ما را یاری نمایند.

والسلام علیکم

علیرضا زواره بهمن‌ماه ۸۶